

اختلال تجزیه هویت (چند شخصیتی)



مقاله ای تحلیلی در رابطه با اختلال چند شخصیتی در کاراکتر فیلم "گست"

تعریف اختلال تجزیه هویت

- اختلال تجزیه هویت یا هویت پَریشی (که اختلال چند شخصیتی، شخصیت چندگانه، تعدد شخصیت و اسامی نظیر آن هم نامیده می‌شود) یکی از اشکال اختلالات تجزیه‌ای و گسستگی می‌باشد. عبارت است از وجود دو یا چند هویت یا شخصیت متمایز که به تناوب رفتار را کنترل می‌کنند. معمولاً این شخصیت‌ها نام و سن و مجموعه‌ای از خاطرات و رفتارهای ویژه خود را دارند. در اغلب موارد یک هویت اصلی با نام واقعی شخص وجود دارد که منفعل، وابسته و افسرده‌است. هویت‌های جانشین نوعاً دارای ویژگی‌هایی هستند که با هویت اصلی تعارض دارند؛ مثلاً خصمانه، کنترل‌کننده، و خود ویرانگرند. در بعضی موارد این شخصیت‌ها ممکن است حتی در ویژگی‌هایی مثل دست خط، استعدادهای هنری و ورزشی و آشنایی به زبان‌های خارجی با هم تفاوت داشته باشند. احتمال می‌رود، در زمینه فرایندهای فیزیولوژیایی از قبیل فشار خون و فعالیت مغزی نیز تفاوت‌هایی داشته باشند. (پوتنام، 1991) هویت اصلی معمولاً از تجربه‌های هویت‌های دیگر اطلاعی ندارد. دوره‌هایی از یاد زدودگی بدون علت، از قبیل زوال حافظه برای چند ساعت یا چند روز در هفته، می‌تواند نشانه‌هایی از وجود این اختلال در فرد باشد.

تعریف اختلال تجزیه هویت

- بسیاری از کسانی که به این اختلال دچار شده‌اند، گزارش می‌دهند که در دوران کودکی دستخوش بهره‌کشی جسمی و جنسی بوده‌اند. اما از آنجایی که خاطرات کودکی ممکن است تحریف شود و مردمانی که گرفتار این اختلال هستند، بسیار تلقین پذیر بوده‌اند، در صحت و سقم این ادعاها تردیدهایی وجود دارد. در هر حال اندیشه محافظت از کودکان در برابر تجربه‌های آسیبی، فرضیه‌ای در باب نقش آفرینی این قبیل تجربه‌ها در ایجاد اختلال هویت رقم زده‌است. گمان می‌رود که نخستین تجربه گسیختگی در پاسخ به تجربه‌های آسیبی و در دوران کودکی روی دهد (معمولاً بین ۴ تا ۶ سالگی). کودک در مواجهه با رویدادی دردناک و رنج آور، شخصیت دیگری می‌آفریند که بار آن تجربه دشوار را بر دوش بکشد. (فریش هولز، ۱۹۸۵) کودک برای دفاع از خویش در برابر تجربه بهره‌کشی، به گسیختن حافظه مربوط از خودآگاهی خویش دست می‌زند. هرگاه بهره‌کشی به صورت سهمگین و مکرر باشد، این روش دفاعی در دراز مدت هویت‌های دیگری به وجود می‌آورد که فقط یک یا دو شخصیت فرعی از بهره‌کشی آگاهی دارند و بقیه از این رنج و درد بدون اطلاع می‌مانند. جدایی این شخصیت‌های چندگانه از یکدیگر موجب پنهان ماندن تجربه سهمگین از آنان است. به این ترتیب خاطرات و احساسات بهره‌کشی به‌طور مستمر، خودآگاهی کودک را آزار نمی‌دهد، مثلاً در اوقاتی که در مدرسه است یا با دوستانش بازی می‌کند. (بران، ۱۹۸۶).

تعریف اختلال تجزیه هویت

- اکثریت بزرگی از مردمان چند شخصیتی، مؤنث هستند و این واقعیت ناشی از احتمال بهره‌کشی جنسی بیشتر از دخترچه‌هاست. (بون و دریچر، ۱۹۹۳)
- عامل دیگر ایجاد این اختلال، آسیب ناشی از خودهیپنوتیزمی است. یعنی فرایند خود را در حالت خلسه هیپنوتیسمی قرار دادن. کسانی که گرفتار اختلال گسیختگی شخصیت هستند، غالباً بسیار خوب هیپنوتیسم می‌شوند. آن‌ها گزارش می‌دهند که تجربه خلسه شباهت به تجربه‌هایی دارد که در دوران کودکی پیدا می‌کردند. (بلیس، ۱۹۸۰) در استان‌های جنوبی کشور ایران بسیار از این نوع اختلال تجزیه‌کننده هویت به نام زار و ماوراءالطبیعه سخت گفته می‌شود و شخص بیمار را جن زده و زاری می‌دانند.
- ، در قسمت ۶ فصل ۴ به این موضوع اشاره شده. این سریال بر اساس داستانی از آلفرد هیچکاک ساخته Bates Motel در سریال شده و با موضوع اختلال تجزیه‌کننده هویت ارتباط دارد.

علائم

- سردرد یا درد خفیف در سایر نواحی بدن.
- اختلال ضعیف حافظه و خارج شدن از دایره زمان و فراموشی لحظه‌ای یا مشکل در به خاطر آوردن برخی اطلاعات فردی که قابل توجه با فراموشی معمولی نیست.
- تغییرات قابل توجه در رفتار بیمار به گزارش یک ناظر.
- وجود تضاد در شخصیت و رفتار
- گاهی دیگران رفتارها یا خاطراتی را از فرد بزرگو می‌کنند که خود بیمار آن‌ها را به خاطر نمی‌آورد.
- بیمار ممکن است خود را به نام دیگری بخواند یا خود را به عنوان سوم شخص یا «ما» خطاب کند.
- شنیدن صداهایی از شخصیت‌های درون ذهن.
- حملات ترس و اضطراب که حاوی ترس‌های غیرقابل توجه و بیان باشند.
- وجود افسردگی در شخصیت اصلی.
- پرانویا
- مسخ واقعیت
- خوددگر بینی

درمان

منابع

- درمان
- اگر بیمار دچار بیماری‌های دیگری نشده باشد، احتیاجی به بستری شدن ندارد و طی جلسات روانکاو و هیپنوتیزم در مطب خاطرات تلخ پاک خواهد شد و چندین شخصیت تبدیل به یک شخصیت خواهد شد.
- منابع
- منبع: « dissociative identity disorder, multiple-personality disorder, MPD » [اختلال تجزیه هویت] [روانشناسی] هم‌ارز « گروه واژمگزینی. «فارسی». در همان. دفتر نهم. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۱۸-۴ (ذیل سرواژه اختلال تجزیه هویت)
- line feed atkinson اسمیت بم هوکسما، ریچارد ریئا ادوارد داریل سوزان (۱۳۸۴). زمینه روانشناسی هیلگارد. رشد. کاراکتر atkinson اسمیت بم هوکسما، ریئا ریچارد ادوارد داریل سوزان (۱۳۹۶). زمینه line feed character موقعیت کاراکتر موقعیت line feed character روانشناسی هیلگارد. رشد. کاراکتر



نمونه تحلیل کاراکتر دارای اختلال تجزیه هویت SPLIT گسست (2016)

- گسست یک فیلم وحشت روان‌شناختی مهیج آمریکایی به نویسندگی و کارگردانی ام. نایت شیمالان است. در این فیلم بازیگرانی همچون جیمز مک‌آووی، آنیا تیلور-جوی، جسیکا سولا، هالی لورینچاردسون و بتی باکلی ایفای نقش می‌کنند. در ابتدا برای ایفای نقش نخست فیلم صحبت از جوکین فونیکس شده بود، بعد لئوناردو دی‌کاپریو در نظر گرفته شده بود، ولی در پایان این نقش به جیمز مک‌آووی واگذار شد.
- این فیلم در ادامه ی فیلم سینمایی نشکن محصول سال ۲۰۰۰ تولید شده و قسمت سوم این مجموعه فیلم نیز با نام شیشه در سال ۲۰۱۹ بر روی پرده سینما رفت.
- داستان فیلم درباره مردی با ۲۳ هویت متفاوت است که اقدام به ربودن سه دختر نوجوان می‌کند. کار تصویربرداری فیلم شکافته از ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵ در فیلادلفیا، پنسیلوانیا انجام شده است و نخستین نمایش آن در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۶ و در طی جشنواره فیلم فنتستیک فست بود، و همچنین توسط یونیورسال استودیوز در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ در ایالات متحده اکران شد.

داستان



- سه نوجوان با نام‌های کلر (هالی لو ریچاردسون)، مارسیا (جسیکا سولا) و کیسی (آنیا تیلور-جوی) توسط دنیس دزدیده می‌شوند و در سردابی نگهداری می‌شوند. دنیس یکی از ۲۳ شخصیت مجزای کوین وندل کرامب (جیمز مک‌آووی) است. او قربانی آزار و اذیت دوران کودکی است و از اختلال تجزیه هویت رنج می‌برد. روانپزشک کوین، دکتر کرن فلچر (بتی باکلی)، باور دارد در چنین مواردی عدم تعادل روانی می‌تواند منجر به تغییرات فیزیولوژیکی شود. فلچر ایمیلی از شخصیت مسلط کوین به نام «بری» دریافت می‌کند که از او خواسته با یکدیگر ملاقات کنند. در طی سال‌های درمان، کوین ظاهراً به ثبات رسیده است: تمام شخصیت‌هایش در اتاقی روی صندلی نشسته‌اند و منتظر نوبت هستند تا خودی نشان دهند (کنترل جسم را بدست بگیرند) و بری مسئول نوبت دادن است. دو شخصیت دنیس و پاتریشیا خارج از گود نگه داشته می‌شوند. دلیل این امر برای «دنیس» این است که او دوست دارد رقص برهنه دختران جوان را تماشا کند و تمایلات خشونت‌آمیز و اختلال وسواس فکری عملی دارد.

داستان



- دکتر فلچر به این نتیجه می‌رسد که افرادی مثل کوین با تغییر شخصیت خود می‌توانند بر عدم ثبات خود مسلط شوند. در ادامه فیلم و در جهت توضیح شخصیت جدید خود، فلچر به یاد دختر نابینایی با اختلال شخصیت را می‌افتد که وقتی شخصیتش را عوض می‌کرد، می‌توانست ببیند. او به یک کنفرانس آنلاین می‌رود تا این حرفش را ثابت کند و آن را درمانی برای تمام اختلالات معرفی کند.
- دکتر فلچر ایمیل‌های زیادی مبنی بر کمک از «بری» دریافت می‌کند. به خانه کوین می‌رود. کوین درباره نقشه‌ای مبهم حرف می‌زند. فلچر شک می‌کند که او مسئول دزدی دخترها باشد؛ بنابراین به بهانه رفتن به دستشویی، یکی از دخترها را پیدا می‌کند. قبل از اینکه بتواند به آنها کمک کند، «دنیس» او را پیدا کرده، و سپس او را بیهوش و زندانی می‌کند. سپس «دنیس» به یک واگن قطار می‌رود و تبدیل به «دیو» می‌شود. «دیو» سرعت، قدرت، انعطاف و چابکی ابرانسانی از خود نشان می‌دهد. دکتر فلچر می‌داند که تنها راه نمایان کردن کوین، این است که نام کامل او برده شود. پس آن را روی تکه کاغذی می‌نویسد و بعد توسط «دیو» کشته می‌شود. در همین زمان، دخترها جداگانه سعی می‌کنند از سلول‌هایشان فرار کنند.

داستان



- «دیو» ابتدا سراغ مارسیا و سپس کلر می‌رود. کیسی جسد دکتر فلچر و تکه کاغذ را پیدا می‌کند و با گفتن نام کوین، او را نمایان می‌کند. کوین که از کارهایش وحشت کرده، اسلحه‌اش را به او می‌دهد تا قبل از ظهور شخصیتی دیگر، او را بکشد. شخصیت‌ها یکی یکی نمایان می‌شوند تا اینکه «دیو» بر می‌گردد و کیسی را گیر می‌اندازد. کیسی شلیک می‌کند ولی ظاهراً تأثیری ندارد. «دیو» می‌گوید قصد دارد دنیا را از «افراد دست نخورده» خالی کند؛ کسانی که قلب ناپاکی دارند. چون هرگز در زندگی زجر نکشیده‌اند.
- «دیو» آماده کشتن کیسی می‌شود که متوجه زخم‌های متعددی روی بدن او می‌شود و از اینکه او «پاک» است خوشحال می‌شود. «دیو» عقیده دارد انسان‌های آشفته استثنایی هستند؛ پس از جان کیسی می‌گذرد و می‌رود. بعداً، یکی از همکاران کوین کیسی را نجات می‌دهد و معلوم می‌شود که او زیر باغ‌وحش فیلادلفیا زندانی بوده است (محل کار و زندگی کوین). افسر پلیس می‌خواهد او را پیش عمویش برگرداند. چهره کیسی نشان می‌دهد که او آماده افشای رفتار آزاردهنده جان است.
- در مخفیگاهی دیگر، «دنیس» و «پاتریشیا» و «هدویگ» کنترل دائمی بدن کوین را بدست می‌گیرند و قدرت و نقشه «دیو» برای تغییر دنیا را تحسین می‌کنند.

تحلیل

- ستاره‌ی اصلی فیلم و کسی که شگفتی و جذابیت فیلم از ابتدا تا پایان روی دوش اوست، کوین است. عنصری که در فیلمی پر از ویژگی‌های هیچکاک‌ای، بیشتر از هر چیزی تماشاگر را به یاد «روانی» می‌اندازد. همان‌طور که راز و رمز و تعلیق «روانی» به آنتاگونیستش مربوط می‌شود، در «گسست» هم کوین هر وقت ظاهر می‌شود و بین شخصیت‌های مجزایش رفت و آمد می‌کند، به لطف یکی از قوی‌ترین هنر‌نمایی‌های جیمز مک‌آووی در تمام دوران حرفه‌اش، نمی‌توان چشم از او برداشت. کوین یکی از آن شخصیت‌هایی است که بازیگر نقش بسیار پررنگی را در تکمیل کمبودهای قابل‌درک فیلم‌نامه بر عهده دارد. کوین مدام بین پرسونا‌های درون ذهنش سوییچ می‌کند. یک لحظه دنیس، مردی مبتلا به اختلال وسواس شدید است که با فیزیک و میمیک‌های شق و رقش به خوبی خشونت‌ی را که هر لحظه ممکن است آزاد شود به نمایش می‌گذارد. لحظه‌ای بعد هدویگ، پسر ۹ ساله‌ای است که نوک زبانی حرف می‌زند و طرفدار کانیه وست است. یک دقیقه بعد زن رسمی و باادب انگلیسی‌ای به اسم پاتریشا است و لحظه‌ای دیگر به بری، طراح مُد و فشن و لباس‌خندانی تبدیل می‌شود.

تحلیل

- تمام این پرسونا‌های مختلف چیزی بیشتر از یک سری تیپ‌های کلیشه‌ای که تمام خصوصیاتشان در یکی-دو جمله جمع‌بندی می‌شوند نیستند و فقط به حدی دارای ظرافت‌های شخصیت‌پردازی هستند که از یکدیگر متمایز باشند، اما نکته بازی مک‌آووی این است که تمام آنها را در یک شخصیتِ منحصر به فرد کنار هم قرار می‌دهد. ایده‌ی فردی با ۲۳ شخصیت روی کاغذ خیلی مضحک و خنده‌دار به نظر می‌رسد و اگرچه شیامالان هم از جنبه‌ی مسخره‌بودن این ایده برای بازیگوشی و گذاشتن دیالوگ‌های بامزه در دهان کاراکترها (مخصوصاً هدویگ) استفاده کرده است، اما بازی مک‌آووی شامل ریزه‌کاری‌های نامرئی اما تاثیرگذاری است که او را به موجود شرور و تهدیدبرانگیزی تبدیل کرده است. این در حالی است که هر کدام از این پرسوناها به جای اینکه شخصیت منحصر به فرد خود را داشته باشند، تکمیل‌کننده‌ی شخصیت کوین هستند. از دنیس که بر اثر ضربه‌هایی که او در کودکی خورده است شکل گرفته و می‌خواهد از کوین محافظت کند تا هدویگ که یادآور کودکی کوین است و همیشه از تنبیه شدن و گرفته شدن مچش توسط دیگر پرسوناها وحشت دارد و یادآور ترس‌های کودکی کوین از مادرش است.